



عباس علی بخش‌ی^۱

مروری گذرا بر وقایع سیاسی نهاوند در آخرین سال رژیم پهلوی (۱۲ فروردین تا ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۷)

اشاره

آنچه از نظر تان می‌گذرد سلسله وقایع سیاسی نهاوند در آخرین سال رژیم پهلوی است به اختصار، که آقای عباس علی بخش‌ی آن را با مراجعه به مرکز اسناد انقلاب اسلامی، روزنامه‌ی اطلاعات این سال و کتاب «نهاوند در انقلاب» اثر دکتر حسین زرینی، تهیه و برای «فرهنگان» ارسال داشته‌است، با تشکر از ایشان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
«فرهنگان»
رتال جامع علوم انسانی

۱) شکسته شدن شیشه‌ی بانک صادرات

در نهاوند بر اساس اطلاعات موجود «شکستن یک جام شیشه از شعبه‌ی مرکزی بانک صادرات» آغازگر مبارزات انقلابی مردم در سال ۵۷ بود. براساس گزارش‌های ساواک در نیمه شب مورخ ۱۲ فروردین ۵۷ یک جام شیشه بانک توسط افراد

^۱ - کارشناسی ارشد علوم سیاسی. Alibakhshi27@yahoo.com

ناشناس شکسته شد و مأموران سریعاً مراتب را به مقامات بالاتر و حتی به نخست وزیر وقت °جمشید آموزگار- گزارش دادند. به علاوه، براساس گزارش کیهان، مورخ ۱۵ فروردین، نهاوند در روزهای ۱۲ و ۱۳ فروردین ماه دستخوش تظاهرات و آشوب بود.

۲) دستگیری و تبعید علما

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۷، ساواک رهبر مبارزات انقلابی مردم نهاوند شهید حجت الاسلام محمدعلی حیدری را به همراه یکی دیگر از روحانیون مبارز شهر (حجت الاسلام احمد زمانیان) دستگیر کرد و به تبعید محکوم نمود. این موضوع به بیداری هر چه بیشتر مردم و آغاز راهپیمایی‌ها و تظاهرات آن‌ها منجر شده است.

۳) تظاهرات و تیراندازی

با پایان یافتن مدت تبعید شهید حیدری، استقبال با شکوهی از ایشان در مرداد ماه ۵۷ توسط مردم نهاوند صورت گرفت. در چند روز آخر مرداد ۵۷، شهرستان نهاوند یکبار دیگر دچار تظاهرات های خیابانی و ناآرامی شده است که دلیل اصلی آن بر اساس اسناد، سخنرانی آتشین حجت الاسلام فلاح بوده است. پس از سخنرانی فوق، مردم که سخت به هیجان آمده بودند به داخل خیابان‌ها ریخته و شیشه‌های چند مؤسسه دولتی، از جمله بانک ملی میدان شاپور (۲۲ بهمن) را می‌شکنند. مأموران رژیم برای جلوگیری از تظاهرات، دست به اسلحه می‌برند و با تیراندازی به سوی مردم چند نفر را مجروح می‌کنند. در این جریان عده‌ای بازداشت و زندانی می‌شوند. حدود ۱۳ نفر از عناصر اصلی به زندان همدان منتقل می‌گردند.

۴) دستگیری و تبعید مجدد علما

حجت الاسلام (شهید) حیدری و حجت الاسلام موسوی در جریان ناآرامی‌های مردادماه دستگیر و به علت عدم صلاحیت دادگاه های نهاوند و همدان برای رسیدگی به

جرائم آنان به سنج منتقل می‌شوند، که با توجه به روی کار آمدن «دولت آشتی ملی» چندان در حبس نمی‌مانند و در تاریخ هشتم شهریورماه ۵۷، ضمن آزاد شدن، با استقبال پرشکوه مردم روبه‌رو می‌شوند.

۵) تظاهرات دانش آموزان و اعتصاب فرهنگیان

در ۱۳ مهرماه ۵۷ دانش آموزان مدارس نهاوند به تظاهرات علیه رژیم پرداختند و در اوج تظاهرات تعداد آنان به هزار نفر رسید. تعداد کثیری زن و دختر چادری در این تظاهرات حضور داشتند. آنان در میدان ۲۲ بهمن (شاهپور سابق) تجمع و شعارهای «زنه باد آزادی»، «درود بر خمینی» و «ارتش برادر ماست» سر دادند که به درگیری با مأموران رژیم منجر گردید و خساراتی به اماکن دولتی نیز وارد شد.

تظاهرات فوق به همین جا ختم نشد و همان‌طور که روزنامه اطلاعات در ۱۸ مهر گزارش داد، ادامه یافت: «تظاهرات و اعتصاب، که از چند روز گذشته در نهاوند آغاز شده است، همچنان ادامه دارد. صبح یکشنبه ۱۶ مهر فرهنگیان نهاوند و جمع کثیری از دانش آموزان دختر و پسر در محوطه‌ی آموزش و پرورش اجتماع کردند و بست نشستند». تظاهرات و اجتماعات فوق در نهایت به اعتصاب فرهنگیان شهر منجر شد و پس از یک هفته اعتصاب، خواسته‌های ده‌گانه‌ی خود را اعلام کردند. اعتصاب فرهنگیان اندکی بعد به سایر ادارات دولتی شهر سرایت کرد و کارمندان سازمان تعاون روستایی، اداره‌ی پست و اداره‌ی دارایی نهاوند نیز دست به اعتصاب زدند.

۶) تظاهرات دانش آموزان و مردم نهاوند در آبان ماه ۵۷

در هفته‌ی اول آبان سال ۵۷ نهاوند شاهد تظاهرات و حضور یکپارچه‌ی دانش آموزان در سطح خیابان‌های شهر بود. آنان در دوم آبان در اعلام همبستگی و محکومیت حوادث خونین همدان دست به تظاهراتی وسیع زدند. در جریان همین تظاهرات نام

خیابان اصلی و میدان مرکزی شهر که «پهلوی» نام داشت به یاد شش شهید گروه ابوذر که پنج نفر از آنان دانش آموز بودند به «ابوذر» تغییر نام یافت. این تظاهرات و راهپیمایی‌های خیابانی نیز به تعطیل شدن مدارس، بازار و وارد شدن خسارت به مراکز و ساختمان‌های دولتی منجر شد.

۷) پیش‌تازی در پایین کشیدن مجسمه‌ی شاه

برای اولین بار در ایران مجسمه‌ی شاه در نهاوند پایین کشیده شد، که نشانه‌ی جسارت و شجاعت و روحیه‌ی مبارزه‌طلبی مردم نهاوند با ظلم و استبداد بود و از آن پس در سایر شهرها ادامه یافت.

به دنبال کشتار وحشیانه‌ی دانشجویان دانشگاه تهران در ۱۳ آبان ۵۷، دامنه‌ی آن به شهرستان‌ها کشیده شد. از جمله مردم نهاوند صبح دوشنبه ۱۵ آبان ماه در سطح شهر به تظاهرات پرداختند. هنگامی که جمعیت در مقابل حسینیه‌ی جوانان مشغول راهپیمایی بود، (مرحوم) حجت الاسلام طاهر احمدوند برای آنان سخنرانی پرشوری ایراد نمود، سپس مردم به سمت میدان مرکزی شهر که مجسمه‌ی شاه در آنجا قرار داشت حرکت کردند و به پرتاب سنگ به سمت مجسمه و پاسبان‌های محافظ آن پرداختند. پاسبان‌ها هم برای کنترل اوضاع چند تیر هوایی شلیک نمودند که باعث خشم مردم شد و هجوم به سمت مجسمه شدت یافت، سپس با کابل و تیر آهن مجسمه را پایین آوردند. به دنبال این واقعه جمعیت با تکبیر، صلوات، هل‌هله، کف زدن و رقص و پای‌کوبی شروع به ابراز احساسات نمودند. پایین کشیدن مجسمه شاه در نهاوند همزمان با روی کار آمدن دولت نظامی ازهاری بود.

۸) تعطیل شدن بازار

به دنبال حوادث مشهد و اعلام عزای عمومی در روز پنجم آذر توسط مراجع، در چندین روز آذر ماه ۵۷ بازار و مغازه های شهرستان نهاوند در اعتراض به رژیم به طور کامل تعطیل شد.

۹) تاسوعا و عاشورای سال ۵۷ در نهاوند

در روز تاسوعای سال ۱۳۵۷ (۱۹ آذر) هیئت های عزاداری نهاوند با تمام اعضا و دوستان خود در صحن، محوطه و اطراف شاهزاده محمد (ع) جمع شدند و یکی از روحانیون (حجت الاسلام احمد زمانیان) برای آنان سخنرانی نمود و سپس مردم در خیابان های اطراف راهپیمایی کردند و شعار دادند.

در روز عاشورا ۱۳۵۷ (۲۰ آذر)، علاوه بر تمام روحانیون شهر، هیئت های عزاداری و مردم نهاوند، بسیاری از روحانیون و مردم روستاهای حومه نیز در شهر حضور یافتند و مراسم عزاداری را با هم برگزار کردند. این جمعیت فوق العاده پس از پایان عزاداری به راهپیمایی در خیابان های نهاوند پرداختند و نهایتاً در میدان شاپور (دکتر شریعتی) استقرار یافتند و سپس پراکنده شدند.

۱۰) اعتراض ها و حوادث مهم دی ماه ۵۷ در نهاوند

بعد از حوادث خونین بیمارستان شاهرضای مشهد (امام رضا «ع») و اعلام همبستگی جامعه ی پزشکی ایران، کادر پزشکی و درمانی نهاوند تصمیم گرفتند در اعتراض به این وقایع در ۶ دی ماه ۱۳۵۷ تظاهرات کنند. آنان قبلاً موافقت تلویحی شهربانی را گرفته بودند اما هنگام برگزاری مراسم برخی از مقامات انتظامی شهربانی با انجام تظاهرات مخالفت کردند. کادر پزشکی نیز بدون توجه به این مخالفت در بیمارستان پهلوی (شهید حیدری) تجمع کردند، اما محاصره ی شدید بیمارستان مانع از خروج آنان شد. مردم نیز که از این وضع مطلع شدند از جلوی مسجد جوانان شروع به

راهپیمایی کردند. همین که جمعیت به میدان پهلوی (ابوذر) رسید با تیراندازی مأموران مواجه شد و در این تیراندازی‌ها دو نفر به نام‌های «حیب سیف» و «زیور سلگی» به شهادت رسیدند.

روز بعد (۷ دی) مردم خشمگین، ضمن برپاکردن تظاهرات، به تخریب برخی از مؤسسات دولتی و خصوصی در مسیر خود پرداختند و به منزل تعدادی از مأموران انتظامی هم هجوم بردند و تعدادی از آن منازل را به آتش کشیدند. در این جریان نیز جوانی به نام «صمد سوری» به شهادت رسید.

در روز ۸ دی، مجدداً مردم به دنبال تظاهرات پیشین به خیابان‌ها ریختند و براساس گزارش‌های ساواک تا ساعت ۱۳ آن روز به تظاهرات ادامه دادند. در این تظاهرات نیز شخصی به نام «علیرضا بیوکانی» به شهادت رسید.

۱۱) ورود گارد ویژه به نهاوند

به دنبال ناآرامی‌های اخیر نهاوند، رژیم مجبور شد گروهی از رنج‌های پادگان نظامی زنجان را، که حدود شصت نفر بودند، به فرماندهی شخص سنگدلی به اسم حسینی، با دو هلی کوپتر نظامی روانه‌ی نهاوند کند. آنان به محض ورود به شهر با خشونت تمام به ضرب و شتم مردم و تیراندازی به سوی آن‌ها پرداختند.

اوضاع ناگوار نهاوند در فاصله‌ی زمانی ۵ تا ۲۵ دی ماه موجب شد تا «روحانیت تهران» در اعلامیه‌ای که در ۲۰ دی ۱۳۵۷ منتشر کرد، «ضمن تقبیح کشتارها و جنایت‌های فاجعه آمیز و دردناک رژیم در شهرستان‌های مشهد، کرمانشاه، قزوین، نهاوند و... با خانواده‌های داغ‌دیده‌ی نهاوندی ابراز همدردی نمود». علاوه‌براین، پرویز ظفری نماینده‌ی نهاوند در مجلس شورای ملی به همین منظور در ۱۰ دی ۵۷ تذکرانه‌ای به رئیس مجلس داد و پس از آن در تذکرانه‌ی دیگری از آن مقام

خواست تا هیئتی صاحب صلاحیت برای بررسی دقیق حوادث ناگوار نهایند روانه‌ی این شهر کند.

۱۲) حمله‌ی مأموران به روستای جهان آباد

روز ۲۵ دی ماه گارد اعزامی زنجان تحت فرماندهی حسینی برای دستگیری یکی از روحانیون مبارز انقلابی نهایند (حجت الاسلام علی زمانیان از منسوبین حجت الاسلام احمد زمانیان) وارد روستای جهان آباد شدند. مردم روستا نیز به مقاومت پرداختند و در مقابل آنان ایستادگی کردند و سرانجام هجده نفر از آنان به شدت مضروب شدند. ضرب دیدگان را در کامیون ریختند و به شهربانی نهایند بردند و پس از شکنجه‌های بسیار آنان را بین کوهانی و جهان آباد بر روی برف‌ها رها کردند.

عده‌ای با شنیدن ناله‌ی مجروحان، به کمک آنان شتافتند و به دلیل ناامنی در نهایند آن‌ها را به بیمارستان ملایر بردند. دوفتر از آنان به نام‌های «نورخدا زمانیان» و «علی کوچک زمانیان» بر اثر شدت ضربات وارد شده به شهادت رسیدند. به دنبال اقدامات انسان دوستانه‌ی علما و مردم ملایر در کمک به آسیب دیدگان حادثه‌ی جهان آباد، آیت الله علیمرادیان در نامه‌ی ای از آنان سپاس‌گزاری و قدردانی کرد.

۱۳) ارسال اسلحه به نهایند

از جمله اقداماتی که موجب دلگرمی و شور و شعف مبارزان انقلابی نهایند گردید، ارسال تعداد قابل توجهی اسلحه از سوی انقلابیون مرکز، از جمله حجت الاسلام هادی غفاری به نهایند بود.

۱۴) فرار شاه

به دنبال فرار شاه در ۲۶ دی ماه ۵۷، مردم نهایند در یک تظاهرات خیابانی خروج شاه را جشن گرفتند. این اقدام با واکنش شدید مأموران رژیم و به خصوص گارد

زنجان مواجه شد و مأموران برای جلوگیری از تظاهرات مردم و گسترش آن به سوی مردم تیراندازی کردند و در جریان آن چند نفر مجروح شدند.

۱۵) اربعین حسینی

در جمعه ۲۹ دی ماه ۵۷، مصادف با چهلمین روز واقعه‌ی کربلا، مردم نهاوند و روستاهای اطراف که تعدادشان را بین سی تا پنجاه هزار نفر تخمین زده اند، در سطح خیابان های شهر به تظاهراتی آرام پرداختند، که تا ظهر ادامه داشت.

۱۶) کمک مردم کشور به نهاوند

در دی ماه ۱۳۵۷، نهاوند کاملاً به حالت تعطیل درآمده بود و با توجه به این که هر روز صدای تیراندازی در آن به گوش می‌رسید و خانه‌ها، مغازه‌ها، داروخانه‌ها و سایر اموال مردم توسط مأموران رژیم به آتش کشیده یا غارت می‌شد، بیشتر حالت یک شهر جنگ زده به خود گرفته بود. مردم ایران در چنین وضع و شرایط بحرانی نهاوند از طرق گوناگون، به یاری شتافتند و در اقداماتی انسان دوستانه به آنان کمک نمودند.

عمده‌ترین هیئت کمک به نهاوند از سوی آیت الله طالقانی، اعزام کادر درمانی بیمارستان لقمان‌الدوله‌ی تهران بود و چند خبرنگار و حقوقدان نیز در ۱۷ دی ۵۷ عازم نهاوند شدند.

هیئت اعزامی دیگری از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بود که در ۲۰ دی ۵۷ با مقادیری دارو و ارزاق راهی نهاوند شدند و در مورد وضعیت آن روز نهاوند گزارش دادند «نهاوند بیش از هر چیز به پزشک بیماری‌های داخلی و عمومی نیاز دارد».

هیئت اعزامی دیگری نیز از سوی آیت الله حسین رحمانی و مردم بیچار بود که در ۲۲ دی ۵۷ مقادیری مواد غذایی و دارو به نهاوند ارسال کرده و در گزارش خود

گفته بودند: «بیماران نهایند نیاز فوری به کمک دارند، ولی متأسفانه در این شهر دکتری نیست و مجروحین حال بسیار نارحت کننده‌ای دارند».

هیئتی نیز از سوی آیت الله یحیی نوری اعزام شده بود، متشکل از اعضای گروه تعاون و همبستگی اسلامی، که روانه‌ی نهایند شدند و مورد ضرب و شتم گارد زنجان قرار گرفتند و مجروح شدند.

در راستای کمک به مردم نهایند در روزهای بحرانی دی ماه ۵۷ یک هیئت پزشکی با مقداری دارو از طرف آیت الله العظمی گلپایگانی نیز برای معالجه‌ی مجروحان راهی نهایند شدند. هم‌چنین با کمک آیت‌الله‌شاه‌آبادی دو کامیون ارزاق و جنس از قبیل شیر و نایلون و سایر امکانات مورد نیاز مردم با همکاری (شهید) حجت‌الاسلام حیدری به نهایند ارسال شد.

به‌دنبال کمک‌های یادشده آیت‌الله‌علی‌میرادیان از طرف مردم و جامعه‌ی روحانیت نهایند تلگراف‌های تشکرآمیزی ارسال نمودند.

۱۷) استقبال از امام خمینی در تهران

به‌دنبال انتشار خبر بازگشت امام به میهن و ممانعت رژیم، هیئتی متشکل از سه اتوبوس از مردم نهایند به سرپرستی (شهید) حجت‌الاسلام حیدری روانه‌ی تهران شدند تا در مراسم استقبال از امام شرکت نمایند. این هیئت در تظاهرات روز ۶ بهمن ۵۷ تهران شرکت جستند. هم‌چنین در اعتراض به ممانعت رژیم از ورود امام، راهپیمایی‌های عظیمی در نهایند برگزار شد.

۱۸) حوادث روزهای مقارن با پیروزی انقلاب

به‌دنبال ورود امام خمینی (ره) به میهن، موجی از شغف و شادی مردم را فرا گرفت. مغازه داران نهایند پس از مدت‌ها تعطیلی، محل‌های کسب خود را باز کردند. در روز جمعه ۱۳ بهمن ماه مردم نهایند و روستاهای اطراف در راهپیمایی عظیمی، که

تعداد آنها بین هفتاد تا هشتاد هزار نفر تخمین زده می‌شد به حمایت از امام خمینی (ره) شرکت کردند و خواستار برقراری جمهوری اسلامی شدند. پس از آن نیز تظاهرات های با شکوهی در حمایت از امام و جمهوری اسلامی برگزار شد. به دنبال پیروزی انقلاب، تمام زندانیان نه‌اوند به دستور (شهید) حجت الاسلام حیدری آزاد شدند و ادارات و مراکزی هم‌چون ژاندارمری و شهربانی بدون هیچ گونه مقاومتی تسلیم شدند و آنها به صورت مسالمت‌آمیز به دست مردم افتاد. با این پیروزی بزرگ برگ زرین دیگری بر افتخارات نه‌اوند و مردم شجاع و مبارزش افزوده شد و نه‌اوند زندگی جدیدی آغاز نمود^۱.



^۱ - خوانندگان گرامی همان‌طور که ملاحظه فرمودید و در ابتدا هم نویسنده‌ی محترم تذکر داده، نامه به «مروری گذرا بر وقایع سیاسی نه‌اوند» از ۱۲ فروردین تا ۲۲ بهمن ۵۷ اشاره کرده است.

اگر نه‌اوند به شهادت تاریخ، چه تاریخ شفاهی و چه مکتوب، در انقلاب اسلامی ایران نقش بزرگی ایفا کرده، پرواضح است که این بیان مختصر گویای همه‌ی لحظه‌های تلخ و شیرین و حوادث فراوان و استثنائی مرتبط با نه‌اوند نمی‌تواند باشد. وجود افراد برجسته و مؤثر از روحانی، فرهنگی، بازاری، شهری و روستائی و خلاصه زن و مرد و پیر و جوان، که نه‌اوند را در تاریخ مبارزات و انقلاب سرنوشت ساز، در قله‌ی افتخار و بر تارک تاریخ نشانده‌اند، نباید فراموش گردند.

همین‌جا «فصل‌نامه‌ی فرهنگیان» دست تقاضا به سوی همه‌ی کسانی که از دوران مبارزات، خاطرات شنیدنی دارند دراز می‌کند تا آن فداکاری‌ها و لحظات سرنوشت ساز را به رشته‌ی تحریر درآورند و ارسال نمایند تا با درج آنها در فرهنگیان، به دست فراموشی سپرده نشوند. «فرهنگیان»